

فصلنامه علمی  
روزنامه نگاری

## روزنامه نگاری؛ خدمت یا خیانت؟

○ سیدعلی کاشفی خوانساری



- عنوان کتاب: روزنامه نگاری برای جوانان
- نویسنده: محمدرضا کبیر
- ناشر: تربیت
- نوبت چاپ: اول - ۱۳۷۹
- شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
- تعداد صفحات: ۲۴۰ صفحه
- بها: ۷۰۰ تومان

موضوع آموزش روزنامه نگاری، همیشه محل جنجال و بحث بوده است. روزنامه نگاران قدیمی، با تأکید بر اولویت استعداد و تجربه، گاهی منکر آموزش پذیری روزنامه نگاری شده اند. برخی، روزنامه نگاری را علم و برخی دیگر، هنر یا فن دانسته اند. اولین دوره های آموزشی روزنامه نگاری در ایران، به سال ۱۳۱۷ برپا می شود و بالاخره در سال ۱۳۳۵، با تأسیس دانشکده روزنامه نگاری در تهران، موافقت می شود و پس از آن هم مؤسسه عالی روزنامه نگاری، مؤسسه عالی مطبوعات و روابط عمومی و... تا امروز که رشته روزنامه نگاری، در دانشگاه علامه طباطبائی، دانشگاه تهران، دانشگاه آزاد و دانشکده خبر تدریس می شود. تحقیقات نشان می دهد از میان فارغ التحصیلان رشته روزنامه نگاری دانشگاهها تنها درصد بسیار کمی، به معنای واقعی کلمه، روزنامه نگار می شوند. از سوی دیگر، باز هم تحقیقات نشان می دهد که درصد قلیلی از شاغلان در مطبوعات، در رشته دانشگاهی روزنامه نگاری تحصیل کرده اند. از کنار هم قرار دادن این دو یافته، شاید بتوان نتیجه گرفت که روزنامه نگاری آموزش پذیر، لاقلاً آموزشی رسمی و آکادمیک نیست. با این همه، شواهد و دلایل منطقی دیگری می توان برشمرد که این نتایج را حاصل عواملی غیر از «آموزش ناپذیری» روزنامه نگاری ارزیابی می کند. عواملی همچون: ۱. سیستم پذیرش غلط دانشگاهها که باعث می شود دانشجویان، بدون شناخت و انگیزه کافی و با انتخابی تصادفی وارد این رشته شوند. ۲. سیستم آموزشی ناکارآمد در این رشته که متناسب با شرایط و اقتضائات این حرفه نیست. ۳. اتخاذ سن نامناسب برای آموزش روزنامه نگاری.

کتاب مورد بررسی، در راستای موضوع سوم، ظهور و بروز یافته است: آموزش روزنامه نگاری و پرورش روزنامه نگاران در سنین دانش آموزی، اولین کتاب درباره روزنامه نگاری، کتاب ژورنالیسم، نوشته شمس مستوفی بود که سال ۱۳۲۴ منتشر شد و از آن زمان تا به امروز، حدود ۲۰ کتاب با این موضوع نشر یافته که متأسفانه هیچ کدام برای دانش آموزان تدوین نشده است.

امروزه متخصصان تعلیم و تربیت و نظریه پردازان روان شناسی یادگیری، با بسیاری از بدیهیات نظام آموزشی جهانی با تردید برخورد می کنند. از آن جمله است در نظر گرفتن سن واحد برای آموزش علوم و حرف گوناگون؛ این که در هفت سالگی باید آموزش رسمی آغاز شود، در پانزده سالگی آموزشها کلی خاص و مشخص گردد و در نوزده سالگی به یادگیری علوم و دانش های تخصصی اهتمام گردد. امروز دیگر می دانیم برای آموزش موسیقی و زبان دوم باید از سنین پیش دبستان آغاز کنیم و هم چنین، امروز به این نتیجه رسیده اند که قضاوت، امری نیست که در سنین دانشجویی، به طور تمام و کمال قابل آموزش باشد و نیاز به سن و پختگی بیشتر دارد.

روزنامه نگاری نیز از علوم (یا حرفه ها و یا هنرهای) است که نمی توان به آموزش آن در سنین دانشجویی خوشبین بود. همان گونه که کسی در دانشکده موسیقی، نوازنده قابل نخواهد شد، دانشکده های روزنامه نگاری هم نخواهند توانست از دانشجویان بی استعداد، بی زمینه و بی انگیزه، روزنامه نگارانی پویا، پر جدل، هوشمند و مخاطره پذیر پدید بیاورند.

این البته یافته جدیدی نیست. از سال ها قبل، در همه جای دنیا (حتی ایران)،



بگیریم). نکته دوم این که خانه روزنامه‌نگاران جوان هم قبلاً بروشورها و جزوه‌هایی برای آموزش روزنامه‌نگاری به دانش‌آموزان منتشر کرده بود، اما کتاب نه.

حال، پس از نکات کلی اشاره شده، جا دارد به برخی نقاط قوت و ضعف کتاب بپردازیم. از جمله نقاط مثبت کتاب که البته طبق مدعای آن باید بدیهی تلقی شود، زبان ساده و نوجوانانه آن است؛ به نحوی که تقریباً کلیه مطالب کتاب، برای مخاطبان متخصص ادبیات کودک و نوجوان و ساده‌نویسی سپرده می‌شد، امکان ساده‌تر کردن آن به نحوی که برای سال‌های اول دبیرستان و حتی دوره راهنمایی هم کاربردی باشد، وجود داشت. نکته مثبت دیگر، مثال‌های تقریباً مناسب کتاب است. بسیاری از مثال‌ها، از مسایل مبتلا به و یا مورد علاقه نوجوانان انتخاب شده و دیگر این که مثال‌ها عمدتاً جدید و به روز و به همین دلیل مورد توجه نوجوانان است. مطالب کتاب نیز به شکل مناسبی تنظیم شده و از بوی کهنگی و تکرار که در بسیاری از کتاب‌های به ظاهر جدید به مشام می‌رسد، عاری است. ایجاز، صراحت، آرایه مثال و تمرین‌های عملی و آرایه نکته‌های کلیدی و کاربردی، از دیگر مزایای کتاب است.

با همه این محسنات، باید گفت نوجوانانه بودن یک کتاب، تنها در سادگی نثر، ارسال مثل و ایجاز و اختصار نیست، بلکه گاهی منظر و نسبت مؤلف با مقوله و مخاطبان، از اساس با کتابی با همان موضوع برای بزرگسالان متفاوت است. در حقیقت، نوع نگاه این دو دسته مخاطب، پیش زمینه‌ها و پیش دانسته آنان متفاوت است. اگر این کتاب را کتابی مستقل فرض کنیم که قرار باشد به عنوان اولین متن مورد مطالعه دانش‌آموزان، آنها را با روزنامه‌نگاری آشنا سازد (و ظاهراً همین‌طور است و این کتاب، مجلدی از یک سلسله کتب به هم پیوسته در این موضوع نیست)، نقاط مبهم فراوانی در ذهن مخاطب باقی خواهد ماند.

اصلاً روزنامه‌نگاری چیست و چه ضرورت و چه کاربردهایی دارد؟ آیا روزنامه‌نگاری یک فعالیت ارتباطی نیست؟ عناصر یک چرخه ارتباطی کدامند؟ اصول و قواعد و انواع ارتباط گری چیست؟ ارتباط جمعی یعنی چه؟ رسانه چیست و چه انواعی دارد؟ پیشینه روزنامه‌نگاری چه بوده؟ نسبت آن با اطلاع‌رسانی، مدرنیته، آموزشی، سرگرمی، اولویت‌دهی، سامان‌دهی اجتماعی و... چیست؟ انواع مطبوعات کدام است؟ ساختار یک نشریه چیست؟ مشاغل و مسؤولیت‌های مطبوعاتی چیستند؟ روابط این عناصر و مسؤولیت‌ها، در چرخه تولید یک نشریه، از آغاز تا انجام چگونه است؟ پاسخ هیچ یک از این پرسش‌ها را در این کتاب نمی‌توان یافت و باید به مخاطب حق داد اگر بدون شناخت کافی از مفهوم ارتباط و اطلاع‌رسانی و ارتباط جمعی و بدون آگاهی از شور و شوق فعالیت مطبوعاتی، هیجان خبرگیری و خبررسانی و... با مطالعه این کتاب، از حرفه روزنامه‌نگاری، تصویر یک شغل خشک و رسمی براساس مفاهیم پایه‌ای چون عناصر خبری و لید و هرم وارونه و... به دست آورد.

ضعف دیگر کتاب، بوی آزاردهنده ترجمه در آن است. گرچه مؤلف، منابع مختلفی را در انتهای کتاب ذکر کرده، ظاهراً بیشتر بر مبنای دو منبع انگلیسی زمان آخر فهرست حرکت کرده است. ترجمه‌ای بودن بافت کتاب، حتی در فصول آن مشهود

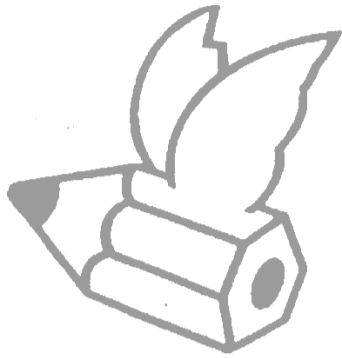
بحث روزنامه دیواری و نشریات تجربی و آموزشی باب شده است. جشنواره‌های روزنامه دیواری، در معاونت پرورشی آموزش و پرورش و مرکز آفرینش‌های ادبی کانون پرورش فکری، سال‌هاست که برپا می‌شود. چند سالی هم شاهد «جشن روزنامه‌نگاران جوان» و «جشنواره نشریات تجربی» (غیرحرفه‌ای)، از سوی «خانه روزنامه‌نگاران جوان» بودیم که متأسفانه، دولت مستعجل بود. حتی پیشتر از آن، هنرستانی در سال ۱۳۴۵، برای آموزش روزنامه‌نگاری به دانش‌آموزان، بنیان گذاشته شده بود. خانه روزنامه‌نگاران جوان که از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۷ به فعالیت مشغول بود، در همین راستا پدید آمده بود و عملکرد نسبتاً موفقی هم داشت. در ضمن، معاونت امور مطبوعاتی وقت، در اختتامیه جشنواره مطبوعات سال ۱۳۷۶، وعده افتتاح هنرستان روزنامه‌نگاری را داده بود که با تغییر وزیران ارشاد و آموزش و پرورش، ظاهراً از خاطرها رفت.

پس گفتیم که سنین دانش‌آموزی را بهترین سنین برای فراگیری مهارت‌های روزنامه‌نگاری دانسته‌اند و گفتیم که تا به حال، کتابی برای آموزش روزنامه‌نگاری به دانش‌آموزان، منتشر نشده بود و همین عوامل، نشانگر اهمیت کتاب مورد بررسی ماست. کتابی که توانسته جایزه جشنواره کتاب کانون پرورش فکری کودکان را هم به دست آورد.

نکته‌ای که قبل از پرداختن به مندرجات کتاب باید یادآور شد، این که گرچه عنوان کتاب «روزنامه‌نگاری برای جوانان» است، منظور مؤلف و ناشر از جوانان، دبیرستانی‌ها بوده است و نه تعریف واقعی سن جوان مطابق استانداردهای جهانی، فرهنگ‌های روان‌شناسی و یا حتی سازمان ملی جوانان و شورای عالی جوانان جمهوری اسلامی ایران که جوانی را به طور تقریبی ۱۸ تا ۲۸ سال معرفی می‌کنند. آموزش و پرورش‌ها، از سال‌ها پیش، برای این که دانش‌آموزان مقاطع مختلف تحصیلی را با اسامی و صفاتی متمایز کنند، دبیرستانی‌ها را جوان نامیده‌اند و چندان هم در این فکر نبوده‌اند که دانشجویان را نمی‌توان «میان‌سال» نامید! (ناشر این کتاب هم وابسته به معاونت پرورشی آموزش و پرورش است).

پس گفتیم که پیش از این، متأسفانه، کتابی برای یاددهی مهارت‌ها و قواعد روزنامه‌نگاری به دانش‌آموزان وجود نداشته و از این بابت، کتاب «روزنامه‌نگاری برای جوانان» بسیار مغتنم و قابل توجه است و صرف این توجه و آغازگری، جدا از چگونگی و کم و کیف آن، ستودنی و به یاد ماندنی.

البته، دو نکته را هم باید تذکر داد. اول این که پیشتر دو کتاب درباره روزنامه‌دیواری دانش‌آموزی منتشر شده بود. اولی «از روزنامه دیواری تا روزنامه‌نگاری»، نوشته مطبوعاتی کهنه‌کار، آقای محمد حیدری است که انتشارات مدرسه، در سال ۷۴ چاپ کرده و با شکل روایی و داستان‌گونه، به آموزش مفاهیم خبر و کار مطبوعاتی در فضای یک مدرسه و تهیه یک نشریه دیواری پرداخته است. کتاب دوم «گام اول در روزنامه‌نگاری: روزنامه دیواری»، نام دارد که تألیف احمد عابدینی است و نشر عابد آن را سال ۱۳۷۸ منتشر کرده و تماماً به ظاهر و باطن نشریات دیواری اختصاص دارد. (مؤلف این کتاب را نباید با احمد میرعابدینی، مدرس ارتباطات در دانشگاه‌ها اشتباه



# چه کسی موج‌های تو را هل می‌دهد؟

جمال‌الدین اکرمی

- عنوان کتاب: دریای عزیز
- نویسنده: اتوسا صالحی
- ناشر: نشر چشمه، کتاب و نوشته
- نوبت چاپ: اول - ۱۳۷۸
- شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
- تعداد صفحات: ۱۰۳ صفحه
- بها: ۶۰۰ تومان

فقط من نیستم که از خواندن کتاب «دریای عزیز» ذوق زده می‌شوم. همهٔ دوستان دیگرم در گروه بررسی کتاب‌های شعر، همین احساس را دارند. بس که مدت‌ها انتظار یک حادثه تازه را کشیدیم. بس که کتاب از شاعران بزرگسالی خواندیم که گویی برای نوجوان‌ها و جوان‌ترها می‌نوشتند و نقد می‌کردند، ولی همیشه کتاب‌های‌شان همان زنبیل واژه‌ها و تعریف‌های خشک عروض و قافیه و جناس و مراعات‌النظیر و اله و بله بود و شعرهای‌شان هم همان قالب همیشگی چهارپاره، با همان نوستالژی کودکی تلف شده. خیلی وقت بود که چشم‌مان به دیدن جای پای تازه، روی پله‌های عاطفه و شعر، منتظر مانده بود. خیلی وقت بود که دنبال شناسنامه‌ای برای شعر نوجوان می‌گشتیم.

کتاب را که می‌خوانم، به خودم می‌گویم: «این یک دریای کوچک واقعی است. دریایی که می‌توانم هم‌پای نوجوان‌ها و جوان‌ترها کنارش بنشینم، به موج‌هایش نگاه کنم و ناگهان مثل بچه‌ها از خودم بیرسم: دریای عزیز، راستی چه کسی موج‌های تو را هل می‌دهد؟»

و حالا نشستیم و به ستاره‌های دریایی و صدف‌هایی که از سر زدن دریا به جنگل و خاک بازمانده نگاه می‌کنم. یکی از صدف‌ها را بر می‌دارم و تکانش می‌دهم. دریا از دریچهٔ آهک پوش گوش‌ماهی‌ها برایم ترانه می‌خواند. اگرچه خودش دور و دلش، کنارهٔ اقیانوس است.

آیا انتظار خواندن یک شعر خوب برای نوجوان‌ها، انتظار زیادی است؟ پس چطور مدت‌هاست این انتظار سرنرسیده و میوه نداده؟ چرا کسی شعر نوجوان‌ها را جدی نمی‌گیرد؟ چرا فاصله میان شعر کودکان که بیشترش همان تکرار چهارپاره‌هاست و شعر جوان که بیشترش از علاقه به سپهری، فروغ و حافظ شروع می‌شود و سر دیگرش می‌رسد به اخوان و شاملو و این اواخر به سیدعلی صالحی و حتی پدیده‌ای مثل مریم حیدرزاده بر نمی‌شود؟ پس شعر نوجوان کجاست؟ به کدام یک از این دو نمونه نزدیک‌تر است؟

است. مثلاً فصل «نوشتن مطالب مورد علاقه انسان‌ها» کاملاً ماهیت ترجمه دارد و در روزنامه‌نگاری امروز ایران، ژانر یا قالبی به این نام و یا معادل آن رایج نیست. همچنین، فصلی که «آموزش نسخه‌خوانی» نام دارد و منظور از نسخه‌خوانی همان Copy Reading است که چیزی فراتر از نمونه‌خوانی، مقابله و غلط‌گیری است و حتی فراتر از ویرایش ادبی و صوری و در حقیقت، همان ویراستاری و مدیریت اخبار است که توسط دبیران سرویس صورت می‌گیرد و در شکل فعلی، عملاً در ایران هیچ مصداقی ندارد.

اشکال بزرگ دیگر کتاب، به پیش‌گفتار آن برمی‌گردد که نوشته مؤلف نیست و امضای «انتشارات تربیت» را در پای خود دارد. این پیش‌گفتار سی صفحه‌ای، خود شامل ۸ بخش است و در آن، دربارهٔ ماهیت غربی و صهیونیستی روزنامه‌نگاری و محور قرار گرفتن غفلت و مصرف در روزنامه‌نگاری جهان، نفوذ صهیونیست‌ها در مطبوعات، هدف خدا از آفرینش انسان و غایت یک انسان کامل که با آن چه مطبوعات پیش‌قراول آن هستند، کاملاً در تضاد است، هدف یهود از سلطه بر وسایل ارتباط جمعی و... سخن گفته شده است.

این مطالب، از منظر رویکرد انتقادی به رسانه‌ها، مطالب جالب و قابل بحثی است و اما در این کتاب و به شکل فعلی، هیچ جایگاهی ندارد. در حقیقت، کتاب به بدترین شکل ممکن و دافغانه‌ترین صورت منتشر شده است و بی‌گمان، اگر خوانندگان دانش‌آموز با مهارت بسیار مهم ورق زدن صفحات غیرضروری در مطالعهٔ کتاب آشنا نباشند، یا از خواندن کتاب پشیمان می‌شوند و آن را ناتمام می‌گذارند و یا اگر با مطالب مقدمه همدلی پیدا کنند، هیچ وقت به سراغ شغل کثیف و خائنانهٔ روزنامه‌نگاری که به مصداق این پیش‌گفتار، عملاً به معنای نوکری صهیونیست‌ها و به گمراهی کشاندن مردم است، نخواهد رفت! توجه داشته باشیم ذهن آرمان‌گرا و مطلق‌نگر یک نوجوان، از درک تحلیل‌های پیچیده که در این پیش‌گفتار آمده، ناتوان است و بعید است به این نتیجه برسد که باید برخلاف جریان جهانی روزنامه‌نگاری و در برخلاف جریان غالب روزنامه‌نگاری داخلی که گمراه‌کننده و یا لاقط خود گمراه است، راه دیگری را برگزیند و در جست و جوی پایه‌گذاری روزنامه‌نگاری تعالی بخش برآید. در حقیقت، مطالب مقدمه، مطالب نسبتاً صحیح و قابل توجهی است که طرح آن برای دانش‌آموزان، آن هم در ابتدای کتاب آموزش روزنامه‌نگاری، اصلاً صحیح نیست. می‌شد این مطالب را در کتاب مستقلاً برای بزرگسالان مطرح کرد و یا به شکلی دیگر، به عنوان یک کتاب سیاسی اجتماعی مستقل، با زبانی مناسب برای نوجوانان تدوین کرد و به آنها دربارهٔ ماهیت غفلت‌آور رسانه‌ها، سلطه استکبار و صهیونیسم بر رسانه‌ها، بی‌عدالتی خبری دربارهٔ کشورهای جهان سوم و جهان اسلام در دست غرب؛ تحریف و سانسور خبری در غرب و... تذکر داد و یا قل، اگر تهیه‌کنندگان کتاب، خیلی نگران بودند که دانش‌آموزان، بدون شناخت کافی از این مخاطرات، با روزنامه‌نگاری آشنا شوند و در حقیقت، تیغ برنده‌ای در دست زنگی هست و یا کودک جاهلی قرارگیرد، جا داشت در پایان کتاب، توضیح داده شود که متأسفانه جریان غالب مطبوعات و رسانه‌ها در غرب، به این شکل است و جا دارد ما با توجه به گرایش‌های دینی، ملی، انسانی، بومی، عدالت‌خواهانه و... خود، با این گرایش غالب هوشیارانه برخورد کنیم و منفعل نباشد و بکوشیم به عنوان روزنامه‌نگارانی مسؤول و آگاه، خوانندگان خود را به سوی معنویت و حقیقت، منافع ملی، کمال اخروی و دنیوی، هوشیاری و سازندگی، عدالت، آزادی و آزادگی، برابری و... دعوت کنیم و در حقیقت، روزنامه‌نگاری مطلوب ما در عین حال که به عنوان یک حرفه مقدس و جذاب برای ما اهمیت دارد و در عین حال که باید از ویژگی‌های جذابیت و کیفیت هنری، ادبی و ژورنالیستی برخوردار باشد، نوعی از روزنامه‌نگاری است که به جای آرزوی کسب درآمد و شهرت بیشتر و ثروت اندوزی، تحکیم سلطه پنهان استکبار و استثمار، فریب‌دهی و گمراه‌سازی و ترویج فرهنگ مصرف و دنیامداری، در آرزوی فراهم آوردن بستری برای جامعه‌ای معنوی، عادلانه و هوشیار است که در آن، شرایط رشد و تعالی معنوی انسان‌ها و راحتی، آزادی، صلح و مساوات در زندگی ایشان فراهم باشد. این پیش‌گفتار در شکل فعلی، علاوه بر ایراداتی که ذکر شده، این ایراد را هم دارد که به هیچ وجه متناسب و قابل جمع با بدنهٔ اصلی کتاب که رویکردی کاملاً عمل‌گرایانه و تکنیکی و عاری از هرگونه ارزش‌گذاری و محتوامحوری دارد، نیست.

به هرصورت، تنها دیکته نانوخته بدون غلط است. کتاب حاضر، نشانگر جسارت، تیزهوشی و ضرورت‌اندیشی مؤلف جوان آن است که سعی کرده به خلاء چندین و چند ساله در این مهم که خواسته و ناخواسته مورد غفلت استادان صاحب نام قرار گرفته، پایان دهد. هرچند که هنوز تا رسیدن به کتاب‌های جامع، جذاب و کاربردی برای آموزش روزنامه‌نگاری به دانش‌آموزان، راه زیادی باقی است.